دیدگاه

میانگین نرخ بی‌کاری ۶ درصد است
ایران جزء «بد»های جهان

احسان سلطانی

نسبت اشتغال جمعیت کشور از ۴۰.۶ درصد در سال ۱۳۷۰ به ۳۷.۴ درصد در سال ۱۳۷۵ تنزل یافت و از آن پس تا سال ۱۳۸۰ مقداری رشد را تجربه کرد و در سال ۱۳۸۰ به ۳۹ درصد بالغ شد. از سال ۱۳۸۰ با شیب نسبتا تندی به ۴۲ درصد در سال ۱۳۸۳ افزایش یافت. نسبت اشتغال مجددا تا سال ۱۳۸۹ روند کاهشی تا ۳۸.۲ درصد را پشت‌سر گذاشت و سپس تا سال ۱۳۹۳ با مقداری افزایش به سطح ۳۹.۶ درصد رسید. در دو دهه اخیر نسبت اشتغال کل جهان در حول‌وحوش ۶۰ درصد نوسان کرده است. با وجود نسبت اشتغال به‌مراتب پایین‌تر از کل جهان، نرخ بی‌کاری ۴۲درصدی کشور (حوالی شش درصد) یکی از نرخ‌های بالا محسوب می‌شود.

در شرایطی که نسبت اشتغال مردان در ایران بـا میزان ۶۶ درصد فاصله بسیار زیادی با نسبت ۱۳درصدی زنـان دارد. اما نسبت اشتغال مردان در جهان با میزان ۷۲ درصد فاصله بسیار کمتری با نسبت ۲۷درصدی زنان داراسـت. همچنین ضمن اینکه نرخ مشـارکت اقتصادی (فعالیت) ۱۷درصدی زنان کشور (جهان ۵۰ درصد) در مقایسـه با مردان بـا نرخ ۷۲ درصـد (جهان ۷۷ درصد) بسـیار پایین اسـت، نرخ بی‌کاری ۲۰درصدی زنان (جهان شـش درصد) نیز در مقایسه با نرخ ۱۱درصدی مردان (جهان شش درصد) بالاست.

انسان در سـیر تاریخی خود از اقتصاد عوامل‌محور (کشاورزی) به سمت کارایی‌محور (صنعتی) گذر کرده و اکنون به سوی اقتصاد نوآوری‌محور (دانش‌بنیان) در حال تکامل اسـت. در جهان کنونی نخبگان بالاترین سرمایه و مزیت رقابتی کشورها به شمار می‌روند و اقتصادهای توسعه‌یافته نخبه‌محور هسـتند.

در روند توسـعه، همراه با توسـعه اقتصادی، سهم تولید از کل ارزش افزوده و اشـتغال مسـیری به همین شـکل نـا معکوس طی می‌کند. مسـیر توسعه از کشاورزی به سـمت صنعت طی شده و همچنین به صنعت رفـته می‌یابـد بخش خدمات بزرگ می‌شـود. صنعت نقـش حیاتـی در افزایش درآمد کشـور ایفـا می‌کند. زیـرا به‌مثابه نیروی محرکه‌ای عمل می‌کند که موجب می‌شود کشاورزی و دیگر بخش‌های اقتصادی بیشـتر مولد باشـند. صنعت مواد و ابزارهای لازم برای ایجاد و اداره زیرسـاخت‌ها را فراهم می‌کند. رشد خدمات در کشـورهای نوظهـور توسـعه‌یافته اصولا در بخش‌های پشتیبان تولیـد و دانش‌بنیان صورت گرفته و به عبارتی بخش خدمات مولد جایگزین بخش مولد شده است.

بـا توجه به مـدل توسـعه و درآمد سـرانه اقتصادی، سـهم صنعت در اقتصاد کشـور به‌مراتب باید بیش از مقدار کنونی باشد. ایران در زمره اقتصادهای با درآمد متوسـط محسـوب می‌شد. اما شـاخص‌های توسـعه صنعتی آن در حد و انـدازه اقتصادهای با درآمد پایین اسـت.

با درنظرداشـتن شـاخص‌های دیگـر از قبیل سـرانه صادرات صنعتـی، صادرات کالاهای فناوری بالا و سـهم آن از کل صادرات، ایران به هیچ‌وجه یک کشـور صنعتی محسـوب نشـده و یا توجه به شـکاف صنعتی در روند توسـعه اقتصادی وجود دارد. اما بـیش از دو دهـه توسـعه اقتصادی، سهم و نقش صنعت باید به حدود دو برابر وضعیت موجود برسـد. براسـاس طبقه‌بندی اقتصادی جهان براساس عوامل‌محور، کارایی محور و نوآوری‌محور، ایران در مرحله انتقال از مرحله عوامل به مرحله کارایی قرار می‌گیرد. بنابراین بین وضعیت کنونی تا جایگاه آرمانی اقتصاد دانش‌بنیان (نخبه‌محور)، شکافی بسـیار عمیق وجود دارد.

در سـال‌های اخیـر کـه رشـد صنعتی کشـور بر صنایـع بزرگ بالادسـتی انرژی‌بر (پتروشـیمی، فلزات اساسـی، کانی غیرفلزی و پالایشـگاهی) متمرکز بوده، صنایع کوچک و متوسـط پایین‌دسـتی تضعیف شـده‌اند. روند توسعه اقتصادی به سـمت و سـویی بوده که نه‌فقط فرصت‌های شغلی مولد را فراهم نکرده، بلکه اشتغال موجـود مولد در صنایع کوچک و متوسـط بخش خصوصی را نیز به زیر ضربه اسـت. طبق داده‌های سرشـماری هزینه‌های عمومی نفوس و مسـکن مرکز آمـار ایران، در دوره ۹۰-۱۳۸۵، اشـتغال در بخش تولیـد (سـاخت) ۳۸۸ هزار نفر کاهش یافته اسـت. از کل اشتغال کاهش‌یافته برآورد می‌شود ۷۰ درصد آن مربوط به نیروی کار زنان باشد. توسـعه صنایع بزرگ سـرمایه‌بر/ انرژی‌بر که منشی بر رانت منابع (نفت/گاز و انرژی) بوده، بـا به‌کارگیری فناوری‌های وارداتی نیاز اندکی به نیروی کار در بخش دانش‌بر داشـته اسـت و از سویی با توجه به سـاختار آنها به‌طور کلی اشتغال‌زا نیسـتند. به‌طور کلی در ربـع قرن اخیر بخش‌های اقتصادی و صنعتی کشـور در جهت ایجاد اشـتغال مولد بسـیار بـر نیروی کار (به‌ویژه نخبه) توسـعه نیافته و اشتغال ایجادشده اغلب در بخش‌های نامولد (سودآوراند و سـفته‌بازانه) و کاذب اقتصادی و خدمات نامولد بوده اسـت.

وجود رانت منابع شـیوع گسـترده فسـاد را در پی دارد که مانعی عمده بر سر راه کارآفرینی و اشتغال مولد و فعالیت‌های دانش‌بنیان محسـوب می‌شـود. هرچند با افزایش درآمدهای نفتی، در ابتدا با تامین منابـع مالـی و تـسهیل واردات تکنولوژی و ماشـین‌آلات، سـرمایه‌گذاری صنعتی رشـد بالایـی را دارد، اما بـس از آن رانت منابع (نفت و گاز) شـرایط کسـب‌وکار را به‌نفع بخش‌های نامولد تحریـف و حتی خود وجود توسـعه و فعالیت‌هـای صنعتی را نیز دچار انحـراف از عملکرد رقابتی می‌کند. رانـت منابع که به‌نوعی رانت عوامل نیز می‌تواند محسـوب شـود، اغلب اسـت را در وجه اول سـوءجنبی توسـعه (عوامل‌محور) متوقف می‌کند. اما با این تفاوت بـزرگ که در اقتصادهای عوامل‌محور سـنتی، بخش کشـاورزی یا ایجـاد میزان بالایی از اشـتغال مولد در مـردان و زنان و همچنین جلوگیری از مهاجرت بی‌رویه به شـهرها، مانع بسـیاری از معضلات و مشـکلات اجتماعی و فرهنگی از قبیل شیوع فسـاد و بزهکاری‌ها و ناهنجاری‌ها، حاشـیه‌نشـینی در شـهرهای بزرگ، رشـد گسـترده بخش نامولد و اشـتغال کاذب، مسـائل زنان، مهاجـرت نخبگان و موارد دیگر می‌شـود. این موضوعات دو مرتبـه در اقتصاد نفتی ایران (نیمه اول دهه ۵۰ و دهه ۸۰ شمسی) با رشد کاذب اقتصادی توام با بـه‌مدرنیسـم تجربه شده اسـت. بنابراین ملاحظه می‌شود با وجود وفور درآمدهای نفتی در کشور، حتی پایه‌های رقابتی اقتصاد عوامل‌محور از قبیل نهادسـازی، محیط اقتصاد کلان و آموزش نیز به‌درسـتی استوار نشده‌اند.

نامطلوب‌ترین تاثیر دوره اقتصاد نفتی اخیـر که در دولت‌های نهم و دهم به‌شدت تشدید شد، تکیه بر درآمدهای نفتی و عدم اتکا به سرمایه نیروی انسانی (کار و فکر ایرانی) بود که توسعه‌نیافتگی نیروی کاری و فکری کشور را در پی داشت.

بیورقرت و وضعیت کنونی و تشـکیل سرمایه انسانی کارآمد و نخبه که به عامل اصلی رشد جهانی تبدیل شده، نیازمند عزم راسخ و تلاش زیادی خواهد بود.

رشد بر ویرانه‌ها

رشد اشتغال بدون مثبت‌شدن سایر شاخص‌های اقتصادی ممکن نیست

وجود رشـد اقتصادی منفی، میزان ایجاد اشـتغال در دوره دوسـاله ۹۲-۱۳۹۱، ۳۴۰ درصد» بیش از دوره دوسـاله ۹۴-۱۳۹۳ بود. یکی از دلایل افزایش اشتغال پس از بروز تحریم‌ها، کاهش شدید واردات و قاچاق کالاهای مصرفـی و درنتیجه افزایش تولید داخلی صنایع اشتغال‌زا اسـت. از کل ایجاد اشـتغال دوره ۹۲-۱۳۹۱، ۸۶ درصد مربوط به سـال ۱۳۹۱ اسـت که تولید صنعتی با سهم ۳۳ درصد (گروه صنعت با سهم ۵۹ درصد) بالاترین نقش را در ایجاد اشتغال ایفا کرد.

در سـال ۱۳۹۳ کل اشتغال کشور ۴۴ هزار نفر کاهش یافت و در سال ۱۳۹۴ این روند معکوس شـد و در این سال ۶۶۸ هزار شغل ایجاد شـد که مجموع تراز ایجاد اشـتغال سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ را به ۶۲۶ هزار نفر (سـالانه ۳۱۳ هزار نفر) رسـاند. از کل اشتغال ایجادشده در سـال ۱۳۹۴، ۵۶۳ هزار نفر مربوط به بخش خدمات اسـت که ۸۴ درصد از کل را شامل می‌شود.

بررسـی و تحلیل میزان ایجـاد اشـتغال در بخش‌های اصلی کشـاورزی، صنعت و خدمات و زیربخش‌های آنها در سـال ۱۳۹۴، می‌تواند تا حدی چگونگی موضوع بحث را توضیح دهد.

الف- کشـاورزی: ایجاد ۱۴۹ هزار شغل در فعالیت‌های کشاورزی، جنگل‌داری و ماهیگیری با ۱.۲ درصد رشـد سـالانه گزارش شده که با احتساب زیرش ۱۰۱ هزار شغل در سال ۱۳۹۳، درمجموع دو سال ۴۸ هزار شـغل در این بخش ایجاد شـد. هرچند در نیم قرن اخیر متوسط رشد سالانه اشتغال بخش کشاورزی ۰.۳ درصد است، اما با توجه به افت سال ۱۳۹۳ و رشد اقتصادی ۵.۷ درصدی این بخش، رشد اشتغال قابل توجه سال ۱۳۹۴ می‌تواند منطقی باشد.

ب- صنعت: گروه صنعت شـامل بخش‌هـای صنعت، معدن، سـاختمان و آب‌رسـانی آب، برق و گاز اسـت. گروه صنعت درمجموع با ازدسـت‌دادن ۴۵ هزار شـغل، دارای رشد اشتغال منفی ۰.۶ درصد و رشـد اقتصادی منفی ۲.۲ درصد در سـال ۱۳۹۴ نسـبت به سال قبل از آن بود.

ب-۱- اسـتخراج معدن: در این بخش شغلی ایجاد نشده است که البته نقش به کاهش ۲۷درصدی صادرات سـنگ‌آهن، افت تولید فلزات اساسـی و رکود اغلب فعالیت‌های استخراج معادن (از قبیل سنگ‌های ساختمانی)، این بخش باید شاهد رشدی اشتغال باشد.

ب-۲- تولید صنعتی (سـاخت): ایجاد اشتغال ۱۱۰ هزار نفر در سال ۱۳۹۴ و رشـد ۳.۱ درصدی کل شاغلان در شرایطی اعلام شده که رشـد اقتصادی ایـن بخش منفی ۰.۳ درصـد بـود. رکود بخش صنعت با رشـد اقتصادی منفی ۰.۳ درصد در سال ۱۳۹۴، کاهش قابل توجه تولید صنایع استغال‌زای کوچک و متوسط و حتی بزرگ از قبیل فلزات اساسـی، کانی غیرفلزی و خودروسـازی و تعطیلی بسـیاری از واحدهای صنعتی حاکی از این اسـت ایجاد اشـتغال اعلام‌شـده، جعل‌عنوان صحبت نداره. در سال ۱۳۹۴ حداقل صد هزار نفـر کاهش اشـتغال در بخش صنعت (صنعتی سـه درصد) برآورد می‌شود.

ب-۳- ساختمان: تولید ساختمان با کاهش قابل توجه ۱۵۵ هزار شغل در سال ۱۳۹۴ (سهم ۹۶ درصد از کل رشتن اشتغال)، مسئول اصلی پایین‌آمدن میزان اشتغال معرفی شده است. در شرایطی که کاهش اشـتغال بخش سـاختمان حاکی از افت تولید بوده‌اند رشد اقتصادی این بخش منفی ۱۶.۷ درصد است. داده‌های رسمی حاکی از تصف‌نشدن میزان پروانه‌های ساختمانی صادره و همچنین مسـاحت سـاختمان‌های در حال ساخت و تکمیل‌شـده در سال ۱۳۹۴ نسبت به سال ۱۳۹۲ است. با درنظرداشتن روند تاریخی اشـتغال بخش سـاختمان و کاهش شدید و عدم تنفذ بودجه‌های عمرانی، فعالیت بخش ساختمان در سال ۱۳۹۴ نسبت به سال قبل از آن بـه میزان در حدود ۳۰ درصد تنزل یافته اسـت. بخش اعظم نیروی شـاغل ساختمان کشـور را نیروی کار فصلی و روزمزد تشکیل می‌دهد، بنابراین با توجه به سـهولت و عـدم وجود هزینه کاهش نیروی کار، کاهش اشتغال بخش سـاختمان در سال ۱۳۹۴ نسبت به سال قبل از آن حداقل ۲۰ درصد برآورد می‌شود که معادل ۶۴۰ هزار نفر محاسبه می‌شود.

ب-۴- تامین آب، بـرق و گاز: این بخش تغییر چندانی را تجربه نکرده است.

ج- بخش خدمات: این بخش باوجود رشـد اقتصادی ناچیز ۰.۴ درصدی، اعلام شده که از رشد اشتغال ۵.۵ درصد و میزان ۵۶۳ هزار نفر برخوردار اسـت که ۸۴ درصد از کل اشتغال ایجادشده در سال ۱۳۹۴ را شامل می‌شود.

ج-۱- عمده‌فروشی، خرده‌فروشی و تعمیر کالاها و وسایل نقلیه: فعالیت‌های این بخش مهم‌ترین عامل افزایش‌دهنده اشتغال در سال ۱۳۹۴ با میزان ۱۶۳ هزار شغل (۲۲ درصد از کل) اعلام شده است. با وجود اینکه در سال ۱۳۹۴ نرخ رشد اشتغال این بخش ۰.۲ درصد بود، اما نرخ رشـد اقتصادی آن در حد صفر (۰.۱ درصد) اسـت. آمار واردات کشور نشان می‌دهد در سال ۱۳۹۴ نسبت به سال قبل از آن، ارزش و میزان واردات کشـور به‌ترتیب ۲۲ و ۱۸ درصد کاهش یافته و از سـوی دیگر، حجم تولید داخلی نیز پایین آمده اسـت. بنابراین درواقع حجم تجارت کشور (شـامل عمده‌فروشی و خرده‌فروشی) حداقل ۱۰ درصد تنزل دارد و در خوش‌بینانه‌ترین شـرایط، اشتغال آن تغییری را تجربه نکرده است.

در سـال ۱۳۹۴ نسـبت بـه سـال ۱۳۹۲ هزینه مصـرف نهایی خانوارها بدون احتساب هزینه مسکن کاهش یافته است. داده‌های اقلام هزینه خانوارهای شهری نشان‌دهنده کاهش معنی‌دار مقدار مصرف مواد غذایی و از سوی دیگر، گسترش و تعمیق فقر در بخش مهمی از جمعیت اسـت. در سـال ۱۳۹۴ نسـبت به سال ۱۳۹۳، متوسـط هزینه مواد غذایی خانوارهای شهری ۳.۱ درصد بالا رفت. اما بهای مواد غذایی ۱۰.۳ درصد افزایش داشـت که به مفهوم کاهـش میزان حقیقی (حجم کلی) مصرف مواد غذایی اسـت.

همچنین با وجود افزایـش بهای ۱۰.۳ درصدی مواد غذایی، هزینه مواد غذایی سـه دهک درآمدی پایینی ۱.۷ درصد کاهش یافت که بی‌سابقه است.

بنابراین درمجموع، فعالیت‌های مرتبط با مصرف خانوارها دچار تنزل فعالیـت اقتصادی و به تبع آن ریزش اشـتغال قابل توجهی شده‌اند.

ج-۲- خدمات تامیـن جا و غذا (هتل و رسـتوران): اشـتغال ایجادشـده در سـال ۱۳۹۴، ۳۹ هزار نفر اظهار شده که دارای رشد بالای ۱۵.۶ درصدی نسـبت به سـال قبل از آن اسـت. با توجه به کاهش شـدید درصد تنزل بودجه‌های زمینی و وضعیت عمومی درآمد و معیشت مردم، رشد اشتغال ۱۵.۶ درصدی این بخش حتی با تردید بسیار اسـت. با وجود این، اگر پنج درصد افزایش اشتغال در نظر گرفته شود، معادل ۱۵ هزار شغل ایجاد شده است.

ج-۳- حمل‌ونقـل و انبـاردار‌ی: ایـن بخش دومیـن فعالیت ایجادکننده اشـتغال با میزان ۱۳۲ هزار نفر و رشد ۶.۶ درصد اعلام شـده اسـت، درحالی‌که رشـد اقتصادی آن (همراه با اطلاعات و ارتباطات) منفی ۰.۸ درصد اسـت. نظر به رشـد اقتصادی مثبت بخـش اطلاعـات و ارتباطـات، رشـد فعالیـت‌های حمل‌ونقل و انبارداری بایـدتـر از منفی هفت درصد اسـت. در رابطه با بخش حمل‌ونقـل و انبـاردری چنانچه اشـاره شـد، حجـم واردات و فعالیت‌های ساختمانی بیش از ۲۰ درصد کاهش داشته و از سوی دیگر، حجم سـفر و جابه‌جایی کالا نشـان درصد تنزل نیافته است.

ج-۴- اطلاعـات و ارتباطات: ایجاد اشـتغال این بخش ۱۹ هزار نفر اظهار شـده که با توجه به رشـد اقتصـادی آن منطقی به نظر می‌رسد.

ج-۵- فعالیت‌های مالی و بیمه: با وجود رشـد اقتصادی منفی ۵.۶ درصد، اشـتغال این بخش تغییر محسـوسی ندارد. با توجه به رشـد اقتصادی منفی ۵.۶ درصد، اشـتغال این بخش باید کاهش یافته باشد.

ج-۶- فعالیت‌های املاک و مسـتغلات: با وجود کاهش شدید فعالیت‌های ساختمانی، اشـتغال این بخش ۱۰.۹ درصد رشد یافته که بعید به نظر می‌رسد.

ج-۷- فعالیت‌های حرفه‌ای، علمی و فنی: این فعالیت‌ها با ۳۱ هزار نفر ایجاد اشـتغال از ۱۴ درصـد رشـد در سال ۱۳۹۴ نسبت به سـال قبل از آن برخوردار هسـتند که مشخص نیسـت این رشد بالای اشتغال چگونه حاصل شده است.

ج-۸- فعالیت‌های اداری و پشتیبانی: میزان اشتغال ثابت مانده است.

درمجموع ایجاد اشـتغال در چهار فعالیت اشـاره شـده بدون تغییر در نظر گرفته می‌شود.

ج-۹- «امـور عمومی و دفاع»، «آموزش»، «سـلامت» و «هنر، سـرگرمی و تفریح»: اشتغال امور عمومی و دفاع ۹.۶ درصد رشـد یافته اسـت ۱۰.۸ درصد رشـد دارد. هرچند چونگی ایجاد اشتغال در امور عمومی دفاع نامشخص اسـت، اما رشد ۱۰.۸ درصدی اشتغال بخش سلامت جای تردید است.

بر پایـه داده‌های مرکز آمار ایران هزینـه حقیقی مصرف نهایی دولت در سـال ۱۳۹۴ نسبت به سـال قبل از آن هفت درصد رشد داشـت. درحالی‌که بودجه کل دولت (مصوب) از بیخ درصد رشد ارزش اسمی و منفی شدن درصد رشد واقعی برخوردار بود. میزان تشـکیل سـرمایه ثابت کشـور در سال ۱۳۹۴ نسـبت به سـال ۱۳۹۳، ۱۴.۴ درصد کاهش یافت. سه پارامتر مهم هزینه مصرف نهایی داخلی اقتصـاد «مصرف خانوارها»، «بودجه حقیقی دولت» و «تشـکیل سـرمایه ثابت» به‌وضوح نشان می‌دهد وضعیت اقتصاد در سال ۱۳۹۴ به چه صورت رقم خورده است.

جمع‌بندی داده‌های اشـاره شـده حاکی از این است در بهترین حالت ممکن نه فقط در سـال ۱۳۹۴ اشتغال کشور افزایش نیافته کـه حداقل به میزان ۵۱۰ هـزار نفر کاهش یافته اسـت. حتی اگر اشـتغالی هم ایجاد شده باشد با توجه به سهم ۸۴درصدی بخش خدمات نامولـد، بی‌کیفیت و ناپایدار و بـر روال دولت‌های مالوف اسـت. این اشـتغال حتی در صورت ایجاد هم منجر به خلق تولید ناخالص داخلی باکیفیت و مفید نمی‌شـود. چنانچه از سال ۱۳۹۳ به بعد، مجموع اشـتغال در بخش‌های صنعت و کشـاورزی ثابت باقی مانده است.

در سـال‌های اخیـر سـه معضل بزرگ ایجاد اشتغال را به‌شدت تحت‌تاثیر خود قرار داده اسـت. (۱) نرخ رشد منفی سرمایه‌گذاری و تنزل میزان آن به حدود نصف سـال ۱۳۹۰، (۲) افزایش دوبرابری مالیات بنگاه‌ها و به‌ویژه صنایع کوچک و متوسـط (و درهمین‌حال حذ مالیات پایین از صنایع بزرگ بالادسـتی) و (۳) افزایش شـدید هزینه سـرمایه با بالابردن نرخ سـود بانکی. هر یک از سـه عامل فوق‌الذکر به‌تنهایی می‌تواند روند ایجاد اشـتغال در یک اقتصاد را کند یا منفی کند و بنابراین انتظار ایجاد شـغل با همزمانی این سـه عامل مهم و تاثیرگذار بعید اسـت. در شـرایطی که بالاترین منافع ناشـی از عایدی سـرمایه در ایران حاصل می‌شـود و ارزش کار در برابر سـرمایه به‌شـدت تنزل یافته، به صورتی که یک سال متوسط دسـتمزدها برابر با سـود بانکی معادل پنج سـال آن است، دیگر انگیزه‌ای برای ایجاد کار و کارکردن باقی نمی‌ماند.

برای فهم و درک ظرفیت‌ها و الزامات ایجاد اشـتغال در کشور، مناسـبت دارد چگونگی روند ایجاد اشتغال در دهه گذشته بررسی شود. در دوره اقتصاد نفتی (۹۰-۱۳۸۰)، ایجاد اشتغال کشور ناشی از گسترش فعالیت‌های بخش‌های خدمات و مسکن بود. روندهای ذیل در این دوره ملاحظه می‌شود:

(۱) گروه خدمات با ایجاد ۲.۳ میلیون شـغل و سهم ۶۶ درصد از کل اشـتغال ایجادشده موتور اصلی ایجاد شـغل در کشور بود. بخش‌های «عمده‌فروشـی، خرده‌فروشـی و تعمیر وسایل نقلیه و کالاها» با سـهم ۲۳ درصد، «حمل‌ونقل و انبارداری» با سـهم ۱۷ درصد و «خدمات املاک و مسـتغلات و حرفـه‌ای و تخصصی» با سهم ۱۱ درصد، درمجموع نیمی از اشتغال کشـور در دهه ۸۰ را ایجاد کردند.

(۲) بخش سـاختمان، مهم‌ترین بخش ایجادکننده اشـتغال با میزان یک میلیون نفر و سهم ۳۰ درصد از کل محسوب می‌شود.

(۳) بخش‌های «سـاختمان»، «عمده‌فروشـی، خرده‌فروشی و تعمیر وسایل نقلیه و کالاها»، «حمل‌ونقل و انبارداری» و «خدمات املاک و مستغلات و حرفه‌ای و تخصصی» درمجموع مسئول ایجاد بیش از ۸۰ درصد اشتغال هسـتند.

(۴) در دهه ۸۰ کل، میزان اشـتغال ۲۰ درصد رشـد داشـت، اما اشـتغال بخش‌های «سـاختمان»، «حمل‌ونقل و انبارداری» و «مؤسسـات مالی و بیمه» در حدود ۱۰۵ برابـر و «خدمات املاک و مستغلات و حرفه‌ای و تخصصی» ۲.۸ برابر افزایش یافت.

(۵) میـزان افـزایش اشـتغال بخـش کشـاورزی ۱ درصد و بخش صنعت- سـاخت ۰.۳ درصد بود. از کل ۳.۴ میلیون شـغل ایجادشده، سهم بخش صنعت کمتر از ۱۰ هزار شغل است.

(۶) شـاخص نسـبت اشـتغال بخـش «سـاختمان» و «عمده‌فروشـی، خرده‌فروشی و تعمیر وسـایل نقلیه و کالاها» به بخش «صنعت- ساخت» از ۱.۴ در سال ۱۳۸۰ به دو در سال ۱۳۹۰ افزایش یافت.

چنانچه بحث بد، رشد اشتغال دهه ۸۰ کشور ناشی از خدمات پشـتیبان مصرف نفت بود که البته باید گفته شـود روند نیمه دوم دهه ۸۰ استمرار و تشدید روند نیمه اول است.

واضح اسـت اشتغال در بخش خدمات و ساختمان دچار سطح مـازاد قابل‌توجهـی از نیروی کار اسـت و برخـلاف آنچه در مدعه اقتصاد با نیروی سـرمایه تحریک شده اسـت، ایجاد اشتغال ناشی از رشد و صادرات تولیدات صنعتی نیسـت.

در اینجا لازم اسـت اشاره شود در قرن گذشته بزندگان مهم و اصلی تحـولات اقتصادی جهان، به‌ترتیب کشـورهای چین با ۷۳۱ درصد رشـد سـرانه حقیقی (اقتصادی)، ویتنام ۶۵۴ (درصد)، عمـان (۲۰۷ درصـد)، سـریلانکا (۱۸۸ درصـد) کره‌جنوبی (۱۷۸ درصدی)، مالـزی (۱۳۴ درصد)، بنگلادش (۱۲۱ درصد) و تایلند (۱۲۶ درصد) به شـمار می‌روند. رشد اقتصادی همه این کشورها ناشی از رشد بالای تولید و صادرات صنعتی و افزایش سهم بخش صنعت از اقتصاد اسـت. البته باید اشاره شـود برخلاف ایران که تولیـد و صادرات مواد خام و اولیـه صنعتی یا تکیه بر مزیت‌های رانتی و یا اشتغال‌زایی پایین توسعه سریعی یافته، تولید و صادرات صنعتی این کشـورها بـا تکیه بر نیـروی کار داخلی و مزیت‌های رقابتی رشد داشته است.

لاینحل‌مانـدن معضـل اشـتغال، بیـش از هـر چیـز بـه سیاسـت‌گذاری‌ها و اقدامات دولت‌ها در حوزه اقتصاد برمی‌گردد که از ربع قرن پیش آغاز و کماکان تداوم یافته اسـت و متأسـفانه بـرای توجیه اسـتمرار رویکردهـای مالوف، با سـطحی‌نگری به موضوعـات دیگر ارجاع داده می‌شـود. با توجه به ایجاد طیف وسیعی از مشـاغل ناملود، کاذب و مازاد در گذشته و به‌ویژه دهه ۸۰، بازار نیروی کار توان جذب شاغلان بیشتر و حتی استمرار حفظ مشـاغل موجود را ندارد. سـاختار اقتصادی و بـازار نیروی کار به درجه اشـباع ناکارآمدی رسـیده و قدرت ایجاد شغل را از دست داده اسـت. در صورت ارائه و تعهد به اصلاح مسیر توسعه کشور و عزم جدی در جیـران عقب‌ماندگی‌ها، ملاحظات ذیل باید مورد توجه جدی قرار گیرند:

(۱) تجدیـد سـاختار و نوسـازی بخـش بازرگانـی داخلـی (عمده‌فروشـی و خرده‌فروشـی) در وقـت، بـا تشـکیل سازمان‌های تجاری، خرده‌فروشـی نوین و تجارت الکترونیک ضمن آنکه امری بسـیار لازم و ضروری به شـمار می‌رود، منجر به کاهش اشـتغال قابل توجه در این بخش خواهد شد.

(۲) سـازماندهی و نوسـازی زنجیره‌هـای تأمین نوسـازی و بهسـازی سیستم حمل‌ونقل شهری و توسـعه بخش حمل‌ونقل ریلی که از الزامات توسعه بـه شـمار می‌روند، کاهش اشتغال در بخش و منطقه خاورمیانه را در پی خواهد داشـت. ایران با میـزان ۶۶ درصد پس از روسـیه (۷۸ درصد) و ترکیه (۷۹ درصد) قرار دارد. ضمن آنکه باید اشـاره شود این شاخص به‌تنهایی گویای توسـعه‌یافتگی و توانمندی نیروی کار نیسـت. چنانچه آلمان، ژاپن و سوئیس دارای نسـبت‌های کمتر از ایران هسـتند، کیفیت آموزش اهمیتـی به‌مراتب بیشتر از کمیت آن دارد. در سـال ۱۳۸۲ میزان نخاالص دانشـجویان کشـور حـدود ۲۰ درصد بود کـه با افزایش سـه‌برابری بر بیش از ۶۰ درصد در سال ۱۳۹۴ بالغ شد و در همین دوره رشد این شاخص در اقتصادهای مختلف بین ۱۶ تا ۸۰ درصد و برای کل جهان ۴۰ درصد بوده است.

افزایش شـدید تعداد دانشجویان کشـور که قطعا رشدی کمی بـوده و بدون ایجاد زیرسـاخت‌های علمی لازم به وقوع پیوسـته، نشـان‌دهنده تنزل کیفی آموزش عالی و فاصله‌گرفتن آن از حداقل اسـتانداردهای لازم اسـت. داده‌های رسـمی حاکی از این اسـت بالاترین رشد تعداد دانشجو به‌ترتیب در رشته‌های مهندسـی، هنر و کشاورزی به وقوع پیوسته اسـت.

همچنین دوسـوم دانشـجویان زن در رشـته‌های علوم انسانی، علوم پایه و هنر به تحصیل اشتغال دارند.

بـا توجه بـه شـرایط کنونـی واضح اسـت حداقـل نیمی از ظرفیت‌هـای آموزش عالی کشـور از اسـتانداردهای لازم و کافی برای تربیت نیروی انسـانی برخوردار نیسـتند. موضوع درخور توجه در آموزش نیروی انسـانی این اسـت که با وجود نرخ ۶۶ درصدی دانشجویان (رتبه ۳۳ در جهان)، نرخ باسوادی مردان بالغ (۱۵ سال به بالا) ۸۹ درصد (رتبه بیاین‌تر از ۹۰) در دنیا) نرخ بـاسـوادی زنان بالغ بر ۷۸ درصد است (رتبه بیاین‌تر از صد).

وجود این واقعیت که ۶۰ درصد از فارغ‌التحصیلان دانشـگاه‌ها به جمعیت غیرفعال و خانه‌نشـین یا بی‌کار می‌پیوندند که درباره زنان فارغ‌التحصیل دانشـگاه‌ها ۷۶ درصد است، نشان‌دهنده عمق وخامت وضعیت و عملکرد نامناسـب و ضعف سـیاست آموزش عالی کشور با واقعیت‌های بازار کار و از سوی دیگر، کژکارکردی‌های نظام اقتصادی است. در شـرایطی که از مجموع دانش‌آموختگان کشـور ۴۰ درصد دارای شـغل هسـتند، این مقدار برای مردان ۵۴ درصد و برای زنان ۲۶ درصد گزارش شده است. نظریه کیفیت پایین آموزش عالی در کشـور و با وجود اینکه به‌طورکلی در سطح جهان بالارفتن سـطح تحصیلات دانشـگاهی منجر به افزایش شـاخص میزان اشتغال زنان (نسبت اشتغال زنان به مردان) شده، این امر در ایران اتفاق نیفتاده است.

در جهان امروز مشـارکت نیروی کار زنان یک محرک مهم و بی‌اَمد) رشد و توسـعه محسوب می‌شود. مشارکت اقتصادی زنان برآمد و برایند عوامل متنوع کلان اقتصادی و همچنین موارد خاص زنان است. در کشورهای در حال توسعه، پیوستن زنان به نیروی کار، به عنوان مکانیسـم رقابتی در پاسـخ به شوک‌های اقتصادی عمل می‌کند. در کشـورهای کمترتوسعه‌یافته، نرخ بسیار بالای مشارکت نیروی کار زنان معمولا معیشت‌کننده فقر اسـت. سـطح اشـتغال زنان معمولا کمتر از مردان اسـت و بیشتر احتمال دارد تا آنها درگیر مشاغل با حفاظت کمتر (مانند مشاغل خانگی) شوند. دسترسی به آموزش یا کیفیت (بالاتر از مقطع متوسـطه) عاملی بسـیار مهم و تعیین‌کننده در بهبود شرایط اشتغال زنان محسوب می‌شود. ارتقای وضعیت آموزش زنان سـطح توقعات آنان و دستمزد مطابق با آن را بالا می‌برد، اما تحقق این امر نیازمند حفل شـغل است. در ارائه داده‌های نرخ‌های مشـارکت اقتصادی زنان مخفی‌کاری عمومیت دارد. بنابراین آمارهای جهانی کنونی انعکاس دقیقی از شـرایط بازار زنان نیسـتند.

در سـطح جهان، میزان اشـتغال زنان در اقتصادهای روستایی بالاسـت. در کشـورهای صنعتی و توسعه‌یافته نسبت اشتغال زنان بین ۵۰ تا ۶۰ درصد اسـت. متوسـط نسـبت جهانی اشتغال زنان و همچنین کشـورهای با درآمد بالا و سـازمان همکاری و توسعه اقتصادی ۲۷ درصد اسـت. کشورهای هم‌گروه اقتصادی ایران شامل گروه‌هـای درآمد متوسـط به بالا و درآمد متوسـط به‌ترتیب دارای نسـبت‌های اشتغال زنان ۵۴ و ۴۵ درصد و منطقه‌های خاورمیانه و جنوب آسیا به‌ترتیب دارای نسبت‌های ۱۷ و ۲۹ درصد هسـتند. در سطح منطقه خاورمیانه شمالی ایران از بهترین نسـبت‌های اشتغال زنان (بین ۴۲ تا ۶۵ درصد) برخوردار است. در ترکیه و پاکسـتان با مفاهیر به‌ترتیب ۶۲ و ۲۲ درصد و لبنان و تونس با ۲۱ درصد پس از این کشورها قرار دارند.

شـیخ‌نشـین‌های عربی/ نفتی از نسبت‌های اشـتغال زنان نسبتا مناسـبی برخوردار هستند که البته ناشـی از به‌کارگیری نیروی کار خارجی در اینجا وجود اسـت. ایران با نسبت اشتغال زنان ۱۳ درصد از یک‌پنجم کشـورهای عربی/ نفتی در سـطح جهان قرار دارد. کشورهای عربی الجزایر، اردن، عراق و سوریه با فاصله کمی پایین‌تر از ایران قرار گرفته‌اند. نسـبت اشتغال زنان شهری و روستایی کشـور به‌ترتیب ۱۰.۵ و ۱۳.۱ درصد است.

میزان شـاغلان زن کشـور از ۱.۲ میلیون نفر در سال ۱۳۷۰ روند صعودی (با نرخ رشـد متوسط سـالانه ۸.۸ درصد) تا سطح بحران میلیون نفر در سـال ۱۳۸۲ را طی کرده و از سـال ۱۳۸۴ تاکنون با فرانوشـیب‌هایی در مرز چهار میلیون نفر متوقف شده اسـت. البته در دوره ۹۳-۱۳۸۶ که میزان اشـتغال زنـان ثابت مانده، نزدیک به ۶۰۰ نفر از جمعیت زنان شاغل (بدون دریافت حقوق) کاسته شـده و به همین مقدار به جمعیت زنان شاغل (با دریافت حقوق) افزوده شده است.

درکشورهای کمترتوسعه یافته رخ می‌دهد
مشارکت زنان در اقتصاد مساوی با «فقر»

رویداد

اشتغال در اقتصادهای توسـعه